

رستاخیز

و برهان هایش در طبیعت

۲ - برهان ژنتیک

مقدمه

با توسعه تدریجی دانش ژنتیک، چشم بشر بر گوشه ای از شگفتی های خیره کننده عالم استعدادهای ذره ای گشوده شد و در برابر پیچیدگی پدیده های بی نهایت کوچک آفرینش حیرت زده گردید. اینک مسلم گردیده است که از خاک تا افلاک، خرد و کلان، ذره تا کهکشان، نظام هماهنگی بر قرار است که کوچکی یا بزرگی پدیده ها، عظمت شگفتی های آنها محدود نمی سازد و فضا و مکان مرز و محدوده ای در اینجا نمی شناسد.

هر چند این کشفیات دست آورد انسان امروزی است و نسل های گذشته را نصیبی از این نو آوری های علمی نبوده است، اما همان قدر حیرت آور است که چگونه چهارده قرن گذشته، در دوران جاهلیت فراگیر و در میان مردمانی فقیر و بی سواد و بی خبر از هر آنچه نام دانش بتوان بر آن نهاد، پیامبری امی و درس ناخوانده، اولین پیامی را که از پروردگار در غار حراء، پس از مناجات های طولانی خود دریافت می دارد، خواندن آفرینش انسان از علق (نطفه اولیه) است!

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ
بخوان به نام پروردگارت که آفرید، آفرید انسان را از علق

هفده گام در هفده سال

گام اول، اشاره به علق

می گویند اولین کلامی که در آشنایی دو دل داده رد و بدل می شود، معنای ویژه ای دارد. آیا در آنچه معبود مهربان به عبد عاشق خود در آن خلوتگه راز الهام کرد معنایی نمی توان یافت؟ در اینکه آیات اولیه سوره علق نخستین کلمات وحی شده به پیامبر است، تردیدی نیست، در این هم که یتیم قریش و بزرگ شده صحراء، به شهادت تاریخ، نه خطی نوشته بود و نه خبری از علم و دانش داشت هم تردیدی نیست. فرصت طلبان فریبکار که می خواهند توده های مردم را به خود جذب کنند، از چیزی سخن می گویند که مورد نیاز و عشق و

علاقه مردم باشد. آیا "ربوبیت" خدای عالم را با آفرینش انسان از علق به مردم جاهل معرفی کردن میتواند تراوش ذهن پیامبر و مستقل از وحی باشد؟

اگر در قرآن به همین یک اشاره بسنده شده بود، چه بسا گذشتن از کنار آن آسان بود. اما آشکارا میبینیم این آیت عظیم، یعنی پیدایش انسان از خاک و نطفه و علقه و .. را پس از آن نخستین الهام، بارها و بارها در سالهای بعد مورد تاکید قرار داده است تا با آگاهی آدمیان از منشاء خود، دست ربوبیت خالق را در مراحل مختلف حیات خویش مشاهده نمایند.

با نگاهی اجمالی به آیات ناظر به آفرینش انسان، که کلمات: تراب، طین، نطفه، علقه و... در آنها به کار رفته است، با انبوهی از آیات مواجه می شویم که هر کدام از زاویه ای و با زبانی، پرده از این راز شگفت بر می دارند. گر چه اشاره به این مسئله، روشنگر شگفتی های خلقت و مبین علم و تدبیر پروردگار نسبت به آفرینش بوده و درس توحید میدهد، اما شاید تعجب کنید از اینکه اشارت قرآن به مراحل مختلف پیدایش انسان از خاک و نطفه و... عمدتاً در ارتباط با آخرت و اثبات رستاخیز روز قیامت، یعنی زنده شدن مجدد آدمیان میباشد. استناد به این مدل محسوس و مشهود و متوجه ساختن ما به مراحل تکاملی تبدیل خاک به نطفه و سرانجام تولد آدمی، برای همین است که این سیر تکاملی را متوقف و پایان یافته با مرگ خود تلقی نکنیم و بدانیم حیات و حرکت به شکل دیگری ادامه می یابد و آفرینش عبث و بیهوده و منزلگاه ما بن بست و بی مقصود نمی باشد.

جدول ضمیمه این نوشته، آیات مربوط به مراحل پیدایش انسان از خاک و نطفه را به ترتیب زمان نزول آن (۱) نشان میدهد. مطالعه موضوعی بر حسب ترتیب نزول، این امکان را به ما میدهد تا خود را در کنار مخاطبین زمان نزول قرآن قرار دهیم و گام به گام همراه آنها، با مسئله ای که شرح داده می شود، آشنا شویم. آنچنان که سبک عمومی قرآن است، در مورد مسئله خلقت انسان نیز موضوع از حالت مجمل و مختصر و کلی به حالت مفصل و با جزئیات تشریحی در می آید.

دنباله مطالب گام های متعددی را که در طوک هفده سال (از سال اول بعثت تا چهارم هجرت) برای تفهیم مراحل مختلف آفرینش انسان برداشته شده است می خوانیم.

گام دوم ، تسویه ، تقدیر و هدایت

با اولین ردیف افقی جدول، یعنی سوره علق، قبلاً آشنا شدید. اینک ردیف های بعدی را مختصراً معرفی می کنیم:

سوره اعلی (۸۷) نیز که در اواخر همان سال اول بعثت نازل شده است (۲)، بار دگر پیامبر را متوجه اسم رب و آثارش در خلقت می کند. با این تفاوت که اگر در سوره علق به طور سر بسته و مرموز از علق سخن گفته بود، این بار بر تسویه (مرتب و پرداخته شدن)، تقدیر (قدر و اندازه یافتن) و هدایت (راهنمایی عضوی) نطفه اشاره می کند.

سَبَّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى

نام پروردگار بلند مرتبه ات را تسبیح گوی، آنکه آفرید پس آنرا مرتب و موزون (هماهنگ) ساخت و آنکه نظم و اندازه گذاشت، پس (هر عضوی را برای ایفای نقش) راهنمایی کرد.

گام سوم ، جایگاه استوار "رحم"

أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ إِلَى قَدَرٍ مَّعْلُومٍ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَادِرُونَ

مگر شما را از آبی بی مقدار نیافریدیم؟ و آنرا تا مدتی معین در قرار گاهی استوار قرار ندادیم؟ پس اندازه اش گذاشتیم و چه نیکو اندازه گذاریم.

در ظاهر امر به نظر می رسد نقش اصلی را در این بازی شگفت آفرینش، نطفه مرد ایفا می کند. در حالیکه نقش زن به عنوان ظرف قبول کننده و رشد دهنده و به کمال رساننده نطفه به همان مقدار حائز اهمیت میباشد. تاکیدات قرآن بر محکم و استوار بودن خانه ای که نطفه در آن منزل می کند (سلول ماده یا رحم زن) تا سر آمد نه ماه حاملگی و فعل و انفعالات فوق العاده حساب شده ای که در این مکان انجام می شود، براستی حیرت آور است.

آیه فوق که در سال دوم بعثت نازل شده است، مرحله فوق را تبیین می نماید. مقدمات قبل از آیه فوق (در سوره مرسلات) نیز قابل توجه می باشد. در این مقدمه، سخن از قطعیت وعده قیامت (انما توعون لواقع) و

تکذیب ناباوران به این امر مسلم است که شواهد فراوانی در طبیعت، از جمله، سیر هدفدار رشد نطفه در رحم و طی دوران تکاملی آنرا آشکارا تأیید میکند، اگر جنین هم توانائی درک و فهم و بیان تصورات خود را داشت، از آنجائیکه روز جدائی از رحم (یوم الفصل) را تجربه نکرده است، چه بسا تولد یافتن در دنیائی غیر از جهان بسته رحم را باور نمی کرد!

بر شگفتی های مرحله اقامت در رحم مادر، آیه ۸ سوره رعد نکته دیگری را هم اضافه می کند و آن هم فعل و انفعالات جذب و افزایش موادی است که در ارتباط با نطفه انجام می شود:

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ

خدا از آنچه هر ماده ای حمل می کند آگاه است و نیز هرچه رحم ها جذب می کنند و هر چه (به نطفه) اضافه می کنند، و هر چیزی نزد او مطابق حساب و اندازه اس

گام چهارم، هدایت و تسهیل راه

ردیف سوم جدول، آیات ۱۷ تا ۲۲ سوره عبس (۸۰) را نشان میدهد، که با فاصله زمانی اندکی در سال دوم بعثت، با بیانی دیگر همان ویژگی های نظم و اندازه و هدایت مولکولی را نشان می دهد و تسهیل راه (السبیل یسره) را نیز اضافه میکند:

موضوع "هدایت" اجزاء نطفه، که دلالت بر وجود اطلاعات لازم و شعور ویژه ای برای ایفای نقش و وظیفه سلول میکند، از حیرت آورترین موضوعاتی است که ذهن زیست شناسان را به خود مشغول داشته است.

توضیحات دانشمندان در ارتباط با تحقیق روی DNA، شواهدی بر این حقیقت می افزاید. به عنوان مثال فرانسیس کریک (Crick Francis) یکی از دانشمندانی که شکل حلزونی DNA را کشف کرده است، در رویارویی با یافته های جدید در ارتباط با DNA تصدیق کرده است که اساس حیات معجزه ای را نمایان می سازد.

برجسته ترین دانشمندی که به همه اطلاعات علمی این روزگار دسترسی داشته باشد، تنها می تواند ادعا کند که در برخی شرایط ممکن است منشاء حیاتی بگونه معجزه آسائی ظاهر شود، اما شرایط بسیاری لازم است تا بتواند به حیات خود ادامه دهد.

بر اساس چنین محاسباتی، پرفسور لد آدلمن (Led Adleman) از دانشگاه کالیفرنیا جنوبی (USC) در لس آنجلس اظهار داشته است که یک گرم DNA میتواند به اندازه ی یک تریلین دیسک فشرده اطلاعات در خود انباشته سازد. جین مایرز (Gene Myers) دانشمندی که روی پروژه (Genome) کار میکند، در بر خورد با شگفتی های معجزه آسای نظم و ترتیبی که شاهد بوده است، چنین اظهار کرده است:

" آنچه واقعاً مرا متحیر میسازد، معماری (ساختار) حیات است... سیستم بصورت خارق العاده ای پیچیده است. بگونه ای است که به نظر می رسد قبلاً طراحی شده است... در اینجا هوشمندی حیرت آوری مشاهده می شود."

خیره کننده ترین واقعیتی که درباره DNA وجود دارد، این است که وجود اطلاعات کد های ژنتیک مسلماً با هیچ یک از موازین مربوط به ماده ، انرژی یا قوانین طبیعی قابل توضیح نمی باشد.

دکتر ورنر گیت (Werner Gitt) استاد فیزیک و تکنولوژی این حقیقت را چنین متذکر شده است:

"سیستم کد گذاری همیشه نتیجه یک تلاش مغزی است.... چنین امری مؤکدا آشکار میسازد که ماده به خودی خود قادر بر ابداع هیچ کدی نمی باشد و در اینجا خلاقیت ضرورت دارد... هرگز نه قانونی در طبیعت شناخته شده است که از آن طریق ماده بتواند به اطلاعات دسترسی پیدا کند و نه هیچ فرایند فیزیکی یا پدیده مادی تشخیص داده شده است که بتواند چنین کند. (۴)

اما اشاره آیه به مردن و در "قبر" شدن آدمی، و سرانجام خروج از قبر ممکن است این سؤال را مطرح سازد که پس از گذشت هزاران سال و در هم ریختن دیوارهای گور و تغییر شکل زمین با سیل و فرسایش و دگرگونیهای طبیعی، بخصوص جذب خاک شدن آدمی و انتقالش به مکان های دیگر، چگونه ممکن است قبری باقی مانده باشد تا کسی از آن بر خیزد؟ علاوه بر آن، تکلیف کسانی که سوزانده می شوند و خاکسترشان به آب و هوا سپرده می شود و دیگران که در دریا غرق می شوند و قبری ندارند چگونه است؟

به نظر میرسد که توجه به معنای کلمه ی قبر این معضل را بگشاید؛ منظور از قبر تنها گور کنده شده در زمین نیست، مفهوم قبر نوعی پوشیدگی و پنهان شدن از دید ظاهری است، بگونه ای غائب شدن از حواس ماست. لغت نامه "المنجد" نشان می دهد که در زبان عربی به مردمی که تور صیادی را (که از دیدگاه ماهیان پوشیده است) از آب بیرون می کشند و به چراغ شکار در شب (پرده تاریکی) قَبْر میگویند! "انتشار" پیدا کردن روز قیامت از قبرها (ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنْشَرَهُ) همچون انتشار کتاب و شایعه و بیماری و... دقیقاً مفهوم توسعه و تکثیر و تولید مثل دارد. مگر آفرینش نخستین ما از یک سلول غیر از انتشار از یک نقطه بود که تکرار آن انتشار نباشد؟

گام پنجم (پیدایش جنسیت)

در این مرحله برای نخستین بار به مسئله ی "زوجیت"، یعنی مذکر یا مؤنث شدن ترکیب اسپرم با اوول اشاره می کند. همانطور که می دانیم نقشی که کروموزوم های آزاد شده اسپرم، در ترکیب با هسته اوول ایفا می کنند، در پسر یا دختر شدن جنین بسیار تعیین کننده است. این آیه که در اوائل سال سوم بعثت نازل شده است، به مرحله ای ما را آگاهی می دهد که در دوران پیشرفت علم ژنتیک آشکار شده است! آیات این گام نیز در خدمت اثبات رستاخیز آخرت آمده است:

سوره قیامه (۷۵) آیات ۳۶ تا ۴۰

يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِّن مَّنِي يُمْنِي ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ أَلَيْسَ ذَٰلِكَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْمِيَ الْمَوْتَىٰ

مگر انسان می پندارد که بیهوده (و بی تکلیف) رها خواهد شد،

مگر (تمامی وجودش) یک قطره آب (حساب شده و هدفدار) نبود که ریخته شد؟ (۵)

سپس جنینی ابتدائی شد، و آنگاه (او را) آفرید و سامان داد.

و از آن (قطره)، زوج نر و ماده پدید آورد.

آیا چنین خدائی قادر به زنده کردن مردگان نیست؟

گام ششم، باز سازی با تمام جزئیات

فُسِّمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أُفْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ

سوگند یاد می کنم به روز رستاخیز، و سوگند یاد می کنم به ضمیر ملامت گر (که رستاخیز به وقوع می پیوندد)، آیا انسان می پندارد که هرگز استخوانهایش را جمع (و بازسازی) نخواهیم کرد؟ آری، (آنها را باز می سازیم) در حالیکه که قادریم (حتی خطوط) سر انگشتانشان را هم سامان دهیم.

در این گام نیز از سوره قیامه شاهد می آوریم ، در گام چهارم به آیات انتهایی سوره اشاره کردیم و در این گام به آیات ابتدائی آن، که برخلاف ظاهر، از نظر ترتیب نزول اندکی دیرتر نازل شده است، استناد می کنیم. (۶)

آنچه در این چند آیه، که با دوبار سوگند آغاز می شود، به چشم می خورد، تاکید روی بازسازی دقیق انسان به میزانی است که حتی خطوط سر انگشت او نیز عیناً آفریده میشود!! اطلاع یافتن بر اینکه اثر انگشت هر انسانی ویژه خودش میباشد و در بین میلیاردها انسان آفریده شده، حتی دو نفر را نمی توان یافت که اثر انگشت آنها عیناً یکسان باشد، موضوعی است که در عصر ما حاصل شده است، تاکید روی این موضوع در چهارده قرن قبل، در یک جامعه بی سواد جاهلی، آیا به غیر از وحیانی بودن قرآن دلیل دیگری می تواند داشته باشد؟

گام هفتم، تعدیل و ترکیب

ردیف پنجم جدول را آیات ۶ تا ۱۰ سوره انفطار (نازل شده در سال سوم بعثت) اشغال کرده است. در این گام ، همچون گام های دوم و سوم (سوره های اعلی و عبس)، دو اصل خلقت و تسویه را تکرار کرده ،اما به جای دو اصل دیگر ؛ تقدیر (نظم و اندازه گذاری) و هدایت ، دو واژه جدید: تعادل و ترکیب را به کار برده است، که چه بسا نتیجه همان تقدیر و هدایت باشد.

نگاه کنید:

(ای انسان چه چیزی تو را نسبت به پروردگار کریمت فریفته است؟)

الذی: (آنکه)

۱- خَلَقَكَ (ترا آفرید)

۲- فَسَوَّاكَ (پس آراست و سامانت داد)

۳- فَعَدَّلَكَ (پس متعادلست ساخت)

۴- فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ (و به آن صورتی که می خواست ترا ترکیب کرد)

كَلَّا بَلْ تُكذِّبُونَ بِالذِّينِ وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ.

(با این حال شما روز جزا را انکار می کنید در حالی که بر شما نیروهای محافظی گمارده شده است.)

خلقت، آفریدن و حیات بخشیدن به مواد بی جان است، "تسویه" از ریشه "سَوَى" نوعی مساوات برقرار کردن و برابر گردانیدن اجزاء یک موجود است. تعدیل، متعادل و مبرای از کم و زیاد و شدت و ضعف ساختن آن است و بالاخره "ترکیب"، هماهنگ نمودن میان اعضاء و همکاری مشترک ایجاد کردن بین آنها در یک مجموعه می باشد.

نکته جالب، نتیجه ای است که از طرح این مراحل می گیرد؛ این نتیجه چیزی جز اثبات "دین" به معنای جزا و نتیجه تلاش انسان در چهارچوب نظاماتی معین نیست که آن هم در آخرت تحقق می یابد و حلقه دیگری است به دنبال مراحل فعلی.

گام هشتم، موتور محرکه سلول نر

بار دیگر (در همان سال سوم بعثت) به پدیده نطفه اشاره می کند. اما اگر در گام چهارم صفت "منی" بودن، یعنی برنامه داشتن و هدفدار بودن آنرا مطرح می کرد، در این سوره روی موضوع متحرک و جهنده بودن آن اشاره میکند. همانطور که میدانیم، اسپرماتوزوئید جنس نر، که ده ها میلیون آن، همچون لشگری برای فتح قلعه اوول (هسته ماده) حرکت میکنند، مجهز به موتور نیرومندی در رأس خود هستند که مثل ماهی یا قورباغه

از تخم خارج شده ، با حرکت دادن به دنباله خود به شتاب حرکت می کنند. این سپاه پیشتاز پس از عبور از مسیر سخت و نرم (مواد نفوذ ناپذیر و نفوذ پذیر) در آستانه قلعه قرار می گیرند و سرانجام پیشتاز ترین آنها با سوراخ کردن دیواره سخت(صلب)سلول ماده، پیروزمندانه وارد آن میشود!

در اینمورد نیز نتیجه گیری آیه، اثبات قدرت خدا بر تجدید حیات و بازگرداندن مجدد انسان میباشد.

طارق(۸۶) آیات ۵ تا ۸

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ يُخْرَجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ

انسان باید توجه کند که از چه آفریده شده است. از آبی جهنده آفریده شده است که از میان مواد سخت و نرم خارج می شود. بی گمان (پس از مرگ نیز خدا) به بازگرداندنش توانا.

گام نهم ، منشاء جنسیت از نطفه

وَأَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ مِنْ نُطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ وَأَنَّ عَلَيْهِ النَّشَاءَ الْآخِرَىٰ

و اینکه هم اوست که زوج نر و ماده (را)از نطفه ای آنگاه که اندازه شد آفرید؛ و اینکه ایجاد عالم دیگر نیز به عهده اوست.

گویا سال سوم بعثت بیشترین تمرکز را روی آموزش مراحل پیدایش انسان داشته است و حلقه بسیار محدود مؤمنین اولیه، ارکان ایمانی را با شناخت مبداء آفرینش خود میساختند. آیات ذیل بار دیگر به مرحله هدفداری و اندازه گذاری نطفه (با توجه به معنای منی) و دو گونه شدن (مذکر و مؤنث) آن اشاره میکند.

نجم (۵۳) آیات ۴۵ تا ۴۷

گام دهم نطفه با استعداد درک و فهم

گام های گذشته مسلمانان اولیه را با مشخصات متعددی از "نطفه" به ترتیب ذیل آشنا کرده بود :

۱- قدر و اندازه داشتن

۲- هدف داری و برنامه داشتن

۳- جهنده و متحرک بودن

اینک در سوره انسان (که در سال پنجم نازل شده است)، مشخصه تازه ای رامطرح میکند؛ "نطفه امشاج" (آب در هم آمیخته!). لغت شناسان "مَشَج" (مفرد امشاج) را مخلوط به هم آمیخته معنا کرده اند. گویا به این دلیل که کروموزوم های مختلف سلول های نر و ماده، ژن های بسیاری را با خود حمل می کنند که عامل اصلی انتقال صفات و مشخصات پدر و مادر میباشند، به این آب "نطفه امشاج" گفته شده که مخلوطی از میلیون ها ترکیب ژنتیکی میباشد (والله اعلم)

سوره انسان(۷۶) آیات ۱ تا ۳

هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ مِّنَ الدَّهْرِ لَمْ يَكُن شَيْئاً مَّذْكُوراً إِنْ أَرَادْنَا الْإِنْسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعاً بَصِيراً إِنْ أَرَادْنَا هُدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِراً وَإِمْماً كَفُوراً

قطعاً روزگارانی بر انسان گذشته است که (وجودش) چیزی قابل ذکر نبوده است. ما انسان را از نطفه ای درهم آمیخته آفریدیم تا او را بیازماییم؛ از این روی شنوا و بینایش گرداندیم. راه را به او ارائه دادیم، خواه سپاسگزار (و پذیرای آن) باشد خواه ناسپاس.

این اولین بار است در این سری آیات که به استعداد دیدن و شنیدن اشاره می شود. گویا قابلیت درک و فهم و ایجاد ارتباط با دنیای خارج با ابزار شناخت، محصول پیچیدگی های همان نطفه امشاج باشد.

گام یازدهم، پاسخی به منکرین

محال و غیر ممکن شمردن تجدید حیات مردگان، ادعای همیشگی نا باوران پیام رسولان بوده است، که قرآن به دفعات آن را نقل کرده است. اما گویا در ارتباط با آفرینش نطفه و سیر تحولی آن، سوره یاسین برای نخستین بار(در سال پنجم بعثت) آنرا بیان کرده باشد:

أَوَلَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ

مگر انسان نمی داند که او را از نطفه ای آفریده ایم، و آنگاه (که تنومند گردید) خصومتگری آشکار شد! برای ما مثلی زد و آفرینش خویش را از یاد برد؛ (و) گفت: استخوانهای پوسیده را چه کسی قادر است حیات بخشد؟ بگو همان کسی که اول بار آن را پدید آورده است، زنده اش می کند؛ و او به هر آفرینشی دانا (و توانا) است.

در این سری آیات، این دومین بار است که کلمه "انشاء" (پدید آوردن از عدم) به کار میرود. قرآن هم پدید آوردن دنیا را انشاء نامیده و هم آخرت را. وقتی کسی انشاء دنیا و اجزاء آن، از جمله نطفه را پذیرفته باشد، چرا نباید انشاء بعدی آنرا هم درک کند؟ (۷)

گام دوازدهم، توسعه و تفصیل

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّنْ طِينٍ
ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ
ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا
ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ
ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعْدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ
ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ

انسان را از چکیده ای از خاک آفریدیم. سپس آن را به صورت نطفه ای در قرارگاهی استوار قرار دادیم. آنگاه نطفه را (تدریجاً به صورت) جنین ابتدائی و پاره گوشت و استخوانهایی در آوردیم و آنرا به پرده گوشت پوشاندیم، آنگاه جنین را (به) آفرینشی دیگر (به صورت کامل) پدید آوردیم؛ منشاء برکات است خدا که بهترین آفریننده هاست. سپس بعد از این (زندگی) همه به کام مرگ خواهید رفت. و روز رستاخیز بر انگیزته خواهید شد.

در گام های گذشته همواره نخستین پله نردبان هستی را از نطفه آغاز کرده بود، اینک پس از آگاهی دادن به مشخصات حیرت آور نطفه)، وقت آن رسیده است که یک پله به عقب تر برویم و ببینیم نطفه از کجا به وجود آمده است؛

سوره مؤمن (در همان سال پنجم) توضیح می دهد که چگونه انسان از چکیده ای از طین (ماده = خاک) آفریده شده است. واژه "طین" که ۱۲ بار در قرآن تکرار شده، باید با واژه "تراب" (خاک) فرق داشته باشد.

به نظر میرسد طین خاک مخصوصی، همچون گل رس باشد که چسبندگی و هماهنگی اجزاء آن بیشتر است، در حالیکه تراب مطلق خاک می باشد که سطح زمین را پوشانده است. با توضیحات قرآن در سوره های دیگر (۸) متوجه می شویم که طین از ترکیبات رسی مشابه گل آجرپزی و مجسمه سازی تشکیل شده است. آنچه در این سوره گفته شده "سلاله من طین" میباشد. سلاله صاف شده و چکیده ای از ماده اولیه ای است که نطفه از آن شکل می گیرد. در واقع مواد عالی خاک که تبدیل به انواع مواد غذایی مورد مصرف ما میشوند، در کارخانه نطفه سازی بیضه ها عصاره گیری و صاف می گردند.

سخن تازه ای که در سوره مؤمن اضافه شده، قرارگاه محکم و استواری است که اینک نطفه باید در آن منزل کند. یعنی همان رحم زن، که پرورشگاه بعدی نطفه و رشد و کمال دهنده این امانت الهی است. از این به بعد مادر است که با شیره جان خود نطفه را تبدیل به علقه، سپس مضغه و سپس استخوان می کند. آنگاه استخوان ها را با گوشت می پوشاند و شکل مادی نطفه به مشیت پروردگار به کمال خود می رسد.

مهمترین نکته ای که برای نخستین بار در این سوره مطرح شده، جهش شگفت آور و تحول بی مانندی است که در موجودات قبل از انسان سابقه نداشته است. یعنی همان اراده و اختیاری که با جمله "ثم انشأناه خلقا آخر" بیان گشته و موهبتی است که تنها به انسان عنایت شده است. گویا موجودات پیش از آدم، قابلیت وجودی چنین امانتی را فاقد بوده اند. با تعبیه استعداد و لیاقت در وجود انسان است که خدا خود را با جمله "احسن الخالقین" ستوده است!

نتیجه ای که از مراحل فوق گرفته می شود، باز هم همچون سوره های قبل، هموار کردن راه درک و فهم بعثت و زنده شدن مردگان است.

گام سیزدهم، هفت مرحله اصلی

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لَتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى مِنْ قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجْلاً مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ

اوست که شما را از خاک، و (طی مراحل مختلف) از نطفه و جنین ابتدائی آفرید؛ آنگاه شما را (به صورت) کودکی (به دنیا) می آورد، آنگاه (امکان می دهد) تا به حد رشد برسید و سالخورده شوید؛ بعضی از شما دچار مرگ (زودرس) خواهند شد و (به گروهی دیگر از شما امکان می دهد) تا به اجل مقرر برسید؛ بسا که درک کنید اوست که حیات می بخشد و حیات را باز می ستاند، و چون امری را مقرر دارد، فقط به آن میگوید باش! و می شود.

آیاتی که تا اینجا مورد بررسی قرار دادیم، تماماً ناظر به مراحل قبل از تولد بود، گویا توضیحاتی که تا سال پنجم بعثت داده شد، مؤمنین را کفایت کننده بوده است. چرا که پس از آن تا ۷ سال (سال ۱۲ بعثت) توضیح تکمیلی مهم دیگری داده نمی شود. (۹)

اینک در آیات فوق، با تکرار خلاصه ای از مراحل آموزش داده شده، و اضافه کردن مراحل پس از تولد، جمعاً ۷ مرحله را در مسیر زندگی انسان به ترتیب ذیل معرفی می نماید:

تراب (خاک)، ۲- نطفه، ۳- علقه، ۴- خروج از رحم (تولد)، ۵- شدت نیروهای عقلانی و جسمانی (بلوغ و پختگی)، ۶- پیری، ۷- مرگ (زودرس یا در پیری)

همچون سایر موارد، نتیجه ای که گرفته شده است، نشان دادن منزلگاه های متنوع و وابسته به هم حیات آدمی میباشد، تا نیک بفهماند خدائی که همواره در حال حیات بخشی و باز ستاندن آن است، از تکرار این کار ناتوان نیست، کار او تنها یک اراده است و بس.

گام چهاردهم، احاطه علمی خدا به سیر تکاملی

آیه ۱۱ سوره فاطر

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمِّرُ مِنْ مَعْمَرٍ وَلَا يُنْقِصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

خدا شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه < آنگاه شما را به صورت زوج ها(ی مرد و زن) در آورد؛ و بارداری و زایمان هر ماده ای با آگاهی اوست، هیچ افزایش یا کاهشی از عمر آدمی نمی شود مگر آنکه در کتاب(علم خدا) ثبت می گردد. که این کار بر خدا آسان است.

تمرکز آیات در این گام بر موضوع علم و آگاهی مطلق خدا بر تمامی مراحل سیرو رشد و کمال آدمی در دوران قبل و بعد از تولد میباشد که در هفت مرحله توضیح داده شده است:

۱ - خاک، ۲- نطفه، ۳- جنسیت، ۴- زندگی در رحم، ۵- تولد، ۶- دوران صعودی عمر(جوانی) ۷- دوران نزولی (پیری)

گام پانزدهم، آفرینش زن و مرد از یک منشاء

آیه ۶ سوره زمر:

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَانِّي تُصْرَفُونَ

شما را از یک منشا حیاتی واحد آفرید، سپس زوجش را نیز از همان جنس پدید آورد... شما را در شکمهای مادرانتان طی مراحل مختلف در نهانگاه های سه گانه (ی پرده مشیمیه، رحم و شکم) می آفریند. این است خدا، پروردگار شما که فرمانروائی خاص اوست؛ معبودی جز او نیست؛ پس چگونه و چرا از راه (بندگی او) رو گردانده می شوید.

عقیده عمومی بر این است که گویا خداوند ابتدا مرد را آفرید و سپس از دنده چپ او زن را خلق کرد!؟ این عقیده واهی که از طریق اسرائیلیات در همان قرون نخستین وارد تفاسیر و کتاب های اخلاقی و اجتماعی مسلمانان شده (۱۰)، متأسفانه همچنان در میان توده های مردم، حتی اکثریت خواص مقبولیت دارد! اما قرآن در آیه فوق، و آیاتی دیگر (۱۱) با ذکر جمله "نفس واحده"، صریحاً بر منشأ واحد داشتن نوع انسان (اعم از زن و مرد) تاکید می کند.

معنای "نفس"، ذات یا جان یا روح میباشد و "نفس واحده" به یک واحد حیاتی می گویند. اینکه جنسیت انسان در همان مراحل اولیه ترکیب اسپرم با اوول (نطفه مرد و تخمک زن) تعیین می گردد، و اصولاً جنسیت در تاریخ تکامل موجودات روی امین از یک سلول آغاز گشته و پس از میلیاردها سال حیات تک جنسی و خود تولیدی، جنس ماده از همان سلول اولیه پدید آمده است، موضوعی است که در دوران اخیر کشف شده است. بنابر این مفسرین یا مترجمینی که "نفس واحده" را، در آیات فوق "، آدم اولیه" تصور کرده اند، درک و فهم عصر و زمانه خود را انعکاس داده اند.

نکته دیگری که در تکمیل گام قبلی، در این مرحله بیان گشته، آگاهی خدا به مراحل بارداری است که با وجود پنهان بودن جنین در سه پوشش: شکم، رحم و پرده مشیمیه، حالات او را دقیقاً زیر نظر دارد. تشبیه به تاریکی های سه گانه از زاویه دید بشری است، که این حجاب ها میدان حواس او را می بندد.

گام شانزدهم، جمع بندی و نتیجه گیری

آموزش مراحل آفرینش انسان از سال اول بعثت آغاز گردید، در سال سوم و پنجم به اوج خود رسید و پس از هفت سال وقفه، در سال دوازدهم، خلاصه ای از آموزش های قبلی تکرار گردید و نکاتی جدید تذکر داده شد. همه آیات گذشته مربوط به دوران مگه بود. اینک در سومین سال هجرت به مدینه (۱۶ رسالت)، به عنوان آخرین سخن در زمینه مراحل آفرینش انسان، یک بار دیگر با شرح و تفصیل کامل و جزئیات بیشتر، این مراحل را توضیح می دهد و در انتها با مقایسه ای از سیر تحول یک گیاه در طبیعت و تبدیل زمین مرده زمستانی به بوستان بهجت آور بهاری، برای آخرین بار موضوع قیامت و برانگیخته شدن اهل قبور را مطرح می سازد.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ
وغيرِ مُخَلَّقَةٍ لَّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن
يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَىٰ الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ
اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَن فِي الْقُبُورِ

ای مردم، اگر در امر رستاخیز تردید دارید، ما شما را (طی مراحل مختلف به ترتیب) از خاک، نطفه، جنین
ابتدائی و پاره گوشتی بی شکل و شکل گرفته آفریدیم، (این مراحل را بیان کردیم) تا بر شما روشن کنیم)
که امر پیچیده خلقت به دست ماست؛ و جنین هائی را که بخواهیم تا مدتی معین در رحمها (ی مادران) قرار
می دهیم، آنگاه شما را به صورت کودکی بیرون می آوریم. آنگاه (شما را پرورش می دهیم) تا به حد
رشدتان برسید؛ و بعضی از شما دچار مرگ خواهند شد و بعضی دیگر به پست ترین (مرحله) عمر باز
گردانده می شوند. به به گونه ای که پس از دانش (فراوان) هیچ چیز ندانند؛ و (بر انگیزش شما همین گونه
است که) زمین را خشک و خواموش می بینی و چون باران را بر آن فرو فرستیم، به جنبش آید و رشد کند و
از هر گونه گیاه بهجت انگیز بروباند. این همه بدان سبب است که خدا حق است و اوست که مردگان را زنده
خواهد کرد و اوست که بر هر کاری تواناست؛ و (نیز به سبب) آنکه رستاخیز بدون هیچ تردید آمدنی است و
خداست که خفتگان در گورها را بر خواهد انگیخت.

گام نهائی، عهد الهی

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِن ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا
يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِن قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّن بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ
الْمُبْطِلُونَ

آنگاه که پروردگارت از پشت بنی آدم نسلشان را پدید آورد و (به زبان عقل و شعور) آنها را بر خودشان
گواه گرفت که مگر من پروردگار شما نیستم؟ گفتند آری گواهی دادیم؛ (این گواهی را به زبان عقل و خرد
گرفتیم) تا روز رستاخیز نگوئید از این (موضوع) بی خبر بودیم.

در زمان طفولیت و نوجوانی، لغزش های گاه و بیگاه فرزندان نادیده گرفته می شود. با رسیدن به سن بلوغ و تکلیف، گوئی قدرت تشخیص و تمیز مرحله جوانی، عهد و پیمانی با پدر مادر محسوب می شود و عقلانیت امضای پای قرارداد به شمار می رود!

در گام های شانزده گانه قبل، آموزش های کافی برای شناخت مراحل رشد و کمال انسان، از خاک بر آمدن تا به خاک در آمدن، داده شد. آیه فوق که در سال چهارم هجرت (۱۷ بعثت) نازل شده است، یاد آوری کننده تعهد عقلانی (یا فطری) است که هر انسانی با اندیشه در منشاء پیدایش خود با پروردگاری که او را طی این مراحل پرورش داده است، بسته است. اینک جای دارد بار دیگر به این پیمان بیندیشیم. (۱۳)

(۱) ترتیب نزول سوره ها و گروه آیات داخل آنها از کتاب سیر تحول قرآن نوشته مرحوم مهندس مهدی بازرگان، جدول شماره ۱۵ اقتباس شده است.

(۲) مطابق جدول شماره ۱۴ کتاب مذکور، جمعاً ۱۵ سوره یا گروه آیات در سال اول بعثت نازل شده اند که آیات نه گانه ابتدای سوره اعلی در ردیف ۱۳ آن قرار دارد.

(۳) آنتونی فلو (Anthony flew) فیلسوف معروف انگلیسی که اخیراً پس از ۶۶ سال الحاد و تبلیغ بی خدائی در دانشگاه های اروپا، آمریکا و کانادا، در مواجهه با کشفیات جدید علم ژنتیک و پیچیدگی های مبانی اطلاعاتی حیات، معتقد به آفریده شدن جهان (Creationism) و وجود اراده ای هوشمند شده، دلایل زیر بنائی علمی تغییر عقیده خود را اینگونه بیان کرده است:

"تحقیق روی (ساختار ژنتیکی)، به راستی حقایق خیره کننده ای را درباره آفرینش به ظهور رسانده است.

شکل مارپیچ حلزونی ملکول، محتوای ژنتیکی کدهای آن، ردیف ها و لایه های هسته ای آن (Nucleotide strings) که هر گونه پیدایش تصادفی کور را باطل می کند، مخزن جامع و دائره المعارفی عظیم اطلاعات درون آن و بسیاری از یافته های خیره کننده علمی آشکار میسازد که ساختمان و عمل کرد این ملکول با یک طرح ویژه ای برای حیات تنظیم شده است."

(۴) نقل مطالب از نشریه Los Angeles Times، ۱۴ ژوئن ۲۰۰۵

(۵) کلمه "منی" با تمنا (آرزوها و برنامه های حساب شده زندگی) هم ریشه است. چه بسا در مفهوم کلمه "منی" (نطفه مرد) هدف داری و برنامه ریزی نهفته باشد! آنچنانکه دانشمندان امروز فهمیده اند، سلول اولیه

طبق برنامه مرموز و حیرت آوری، انواع سلول های غیر مشابه را برای اعضای بدن می سازد.

(۶) مطابق جدول شماره ۱۵ کتاب سیر تحول قرآن، ۶ آیه مقدمه سوره و آیات ۱۴ تا ۱۹ در همان سال سوم بعثت با فاصله زمانی اندکی پس از بقیه سوره نازل شده است.

(۷) واقعه ۶۲ (شما که پیدایش نخستین را دانستید، پس چرا متوجه نمی شوید؟)

(۸) از جمله : صفات ۱۱، آل عمران ۴۹، مائده ۱۱۰، قصص ۳۸

(۹) همان طور که قبلاً ذکر گردید، ترتیب نزول سوره ها و گروه آیات را در این مقاله از کتاب سیر تحول قرآن (جدول شماره ۱۴ و ۱۵) استخراج کرده ایم، آیات مورد استفاده در این نوشته، مهمترین آیات مربوط به این موضوع است، بدیهی است آیات تکمیلی دیگری نیز در قرآن وجود دارند.

(۱۰) یهودیانی که در صدر اسلام به آئین جدید پیوستند، همراه خود فرهنگ خرافی دینی و برداشت های انحرافی خود از توراه را نیز به فرهنگ قرآنی پیوند دادند. از جمله این انحرافات، دیدگاه کلی آنها درباره زن و محکومیت ذاتی او در قصه آفرینش و فریب آدم در بهشت می باشد.

(۱۱) نساء ۱، انعام ۹۸ و اعراف ۱۸۹

(۱۲) مستقل شدن کروموزوم از کروموزوم های در مرحله جهشی، این امر را ممکن ساخته است.

(۱۳) برخی از مفسرین و عارفان از آیه فوق عالمی خیالی به نام "عالم ذر"؟! را تصور کرده اند و مدعی شده

اند در روز "الست"!! چنین پیمانی از بنی آدم گرفته شده است. هر چند نه ذهن آزاد از این نظریات، به آن

راه می یابد و نه روز الست که نه اسمی معنادار، بلکه فعلی به معنای "آیا من نبودم" می باشد، چندان معقول

می نماید!